

معرفی نسخه خطی شرح گلشن راز بابا نعمت‌الله نخجوانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن

علی دهقان*

چکیده

مثنوی گلشن راز شیخ محمود شبستری در حجم کمتر، گنجینه‌ای از حکمت صوفیانه است و به سبب ایجاز و اشتغال بر مباحث عمیق عرفانی، از زمان سرایش مورد توجه اهل فن و عارفان قرار گرفت. تاکنون نزدیک پنجاه شرح و ترجمه و نظیره بر آن نوشته شده است. یکی از شرح‌های مهم گلشن راز، شرح نعمت‌الله نخجوانی معروف به علوان آق‌شهری می‌باشد. این شرح به دلیل احاطه شارح به مضامین و نکات عرفانی و توضیح غموض افکار شیخ محمود شبستری، اهمیت زیادی دارد. از شرح مذکور دو نسخه خطی پیدا شده است. ویژگی‌های خطی و سبکی این نسخه‌ها در مطالعات نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. هدف از این مقاله، معرفی شرح نعمت‌الله نخجوانی بر گلشن راز شبستری و بررسی سبکی و ویژگی‌های آن است. شارح با بهره‌گیری از نثری ساده و روان، ارجاع مکرر به آیات و احادیث در تأیید تفاسیر خود، توضیح اصطلاحات عرفانی، به کارگیری واژه‌ها و ترکیبات خاص، شرح متفاوتی به یادگار گذاشته است.

کلید واژه‌ها: نعمت‌الله نخجوانی، شرح گلشن راز، نسخه خطی، سبک‌شناسی

* - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران. a_dehghan@iaut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

۱ مقدمه

مثنوی گلشن راز شیخ محمود شبستری با وجود حجم کم، یکی از آثار با ارزش و مشهور عرفانی است و بارها به خاطر مطالب ناب و ایجاز مثال‌زدنیش شرح شده است. براساس آنچه که در گلشن راز بیان شده، رسولی از «خراسان» نامه‌ای منظوم شامل مشکلات ارباب اشارت را در مجلسی که شبستری در آن جا حضور داشته است، می‌خواند. «مرد کار دیده‌ای که مرشد و پیر شیخ محمود بوده بعضی او را بهاء‌الدین تبریزی دانسته‌اند به شبستری پیشنهاد پاسخ دادن به سؤالات را کرده است» (بیگدلی، ۱۳۳۷: ۱۳۸) و شبستری این مثنوی را در پاسخ سؤالات «امیرحسین هروی» سروده است.

شرح‌های زیادی بر گلشن راز نوشته شده که یکی از آن‌ها شرح بابا نعمت‌الله نخجوانی است و دکتر کاظم دزفولیان آن را یکی از پنج شرح مهم گلشن راز می‌شمارد. (رک. شبستری، ۱۳۸۲: ۱۹). نعمت‌الله نخجوانی دارای آثاری است که بن‌مایه‌های قوی از اندیشه‌های عرفانی را باز می‌نماید. با توجه به احاطه شارح به مضامین و نکات عرفانی، این شرح اهمیّت زیادی دارد زیرا غموض و افکار شبستری را به خوبی شرح داده است.

هدف اصلی این جستار معرفی نسخه‌های خطی شرح نخجوانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن می‌باشد. بدین منظور نسخه کتابخانه ملی و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بررسی شده است که در متن مقاله با نشانه‌های اختصاری «مل» (ملی) و «دم» (دائرةالمعارف) مشخص شده‌اند.

۱.۴. احوال نعمت‌الله نخجوانی

نعمت‌الله بن محمود نخجوانی معروف به شیخ علوان و بابا نعمت‌الله، صوفی و مفسّر حنفی، از علما و مشایخ قرن نهم و دهم است. در تذکره‌ها از تاریخ ولادت وی سخنی به میان نیامده اما تاریخ وفات او سال ۹۲۰ ذکر شده، به جز در کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی که به اشتباه ۹۰۲ آمده است. نعمت‌الله نخجوانی از بلاد قفقاز بوده و این سرزمین در دوران این مفسّر جزو خاک ایران به شمار می‌آمده است اما امروزه بخشی از جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد.

ادنه وی در طبقات المفسرین، نخجوانی را مؤلفی جلیل القدر در علوم تفسیری می‌داند (ادنه وی، ۱۴۱۷: ۳۶). یکی از قدیم‌ترین منابعی که در مورد وی سخن به میان آورده کتاب شقایق النعمانیه است که شرح ممزوجی بر گلشن راز شبستری دارد (رک. تربیت، ۱۳۷۸: ۱۱۲). «نعمت الله بن محمود نخجوانی معروف به علوان آقشهر، صوفی و مفسر اهل آقشهر در ولایت قرمان بود او به آن اصول کوچ کرد و سرانجام در آقشهر وفات یافت» (کحاله، بی‌تا، ج ۳: ۴۱). دیگران نیز لقب او را وعلوان آقشهری» نوشته‌اند (سرکیس، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۸۵۱) و (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۲۹۲). در دوره او «سلاطین آل عثمان، ادبا و شعرا و دانشمندان ایرانی و پارسی‌گوی را مورد تکریم و تعظیم خاص قرار می‌دادند و از اعطای صلات و جوایز در حق آنان کوتاهی روا نمی‌داشتند» (خسروشاهی، ۱۳۵۰: ۱۷۱).

در کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی آمده است که «اشعار صوفیانه از او در مجموعه‌ها باقی مانده و نیز تألیفات متعدّد از جمله شرح بر گلشن راز دارد» (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۶۷). وی به سه زبان ترکی، عربی و فارسی مسلط بود.

۱. آثار نخجوانی

نخجوانی در طول زندگی خود به نگارش چند اثر تفسیری و عرفانی پرداخته است. یکی از آن‌ها الفواتح الالهیه و المفاتح الموضحه للكلم القرآنیه و الحکم الفرقانیه، در دو جلد، تفسیر معتبری از کلّ قرآن است که پایان نگارش آن را سال ۹۰۲ نوشته‌اند. مؤلف شقایق النعمانیه در این مورد می‌گوید: «او «نخجوانی» این کتاب را بدون مراجعه به کتب تفسیری دیگر نگاشته است و در آن حقایق و دقایق را نوشته که بسیاری از انسان‌ها به دلیل فصاحت به کار رفته در عبارت و بلاغت تعبیراتش، از ادراک آن عاجزند» (طاشکوپری زاده، ۱۳۸۹). هدایه الاخوان از تألیفات اوست (کحاله، بی‌تا، ج ۴: ۳۷). او در سال ۹۰۰ قمری حواشی و تعلیقاتی بر تفسیر بیضاوی و فصوص الحکم ابن عربی نوشته است (تربیت، ۱۳۷۸: ۶۱). و رساله وجود، شرح فارسی گلشن راز را در تصوف، و مفاتیح الغیبیه را در تفسیر قرآن، تألیف کرده است (رک. بغدادی، ۱۹۵۱-۱۹۵۵: ج ۲: ۴۹۷).

۱. ۳. گرایش عرفانی نخجوانی

در مقدمه کوتاه چاپ مطبوعه عثمانی، تصریح شده که سلوک نعمت الله نخجوانی بر پایه طریقت نقشبندیّه و بهره‌مندی از حضور مشایخ این مکتب عرفانی بوده است. طاش کبری زاده (متوفی ۹۶۸ قمری) یا همان طاشکوپری زاده که از میان تذکره نویسان، نزدیک‌ترین فاصله را با ایشان داشته، از او با عنوان «بابا نعمت الله نقشبندی» یاد می‌کند (انصاری، نقل از نخجوانی نقشبندی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). با اینکه او به محی‌الدین ابن عربی تعلق خاطر بیشتری داشته است (همان: هشت).

نقشبندیّه هم‌زمان با دوره زندگانی نخجوانی هواخواهان بسیاری پیدا کرده بود «قرن نهم به دلیل گرایش‌های مذهبی شاعران و سلاطین و رواج روزافزون تصرف عرفان، نمود چشمگیری دارد» (واردی، ۱۳۸۴: ۹۸). در این قرن «هم‌زمان با شکوفایی اقتصادی منطقه نخجوان، طریقت‌های مختلف عرفانی در سرتاسر حکومت اسلامی رخ نمودند که از آن جمله به طریقت نقشبندیّه می‌توان اشاره کرد» (شفاعی، ۱۳۹۱: ۴). «نقشبندیّه طریقتی است منسوب به خواجه بهاء‌الدین محمد بن محمد اویسی بخاری مشهور به شاه نقشبند (۷۱۸-۷۱۹ هـ.ق) شاخه‌ای منشعب از سلسه خواجهگان که اصل آن به عارف ایرانی خواجه یوسف همدانی باز می‌گردد» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۸۲). به روایت نفحات الانس «طریقت ایشان، اعتقاد اهل سنت و جماعت است و اطاعت احکام شریعت و اتباع سنن یدالمرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و دوام عبودیت که عبارت از دوام آگاهی به حق سبحانه، بی مزاحمت شعور به وجود غیر» (جامی، ۱۳۸۶: ۴۱۶).

«تصوّف نقشبندی معتدل و میانه‌رو و متمسک به شرع و سنت است، از این رو بسیاری از علمای دین و امیران و محتشمان در این جرگه درآمدند. امیران تیموری بیش از حد، مشایخ نقشبندی را معزز و محترم می‌داشتند و نقشبندیان نیز در سایه رأفت امرا می‌زیستند. چنان که مشهور است امیر تیمور ارادت به خدمت «شاه نقشبند» داشت؛ شاهرخ تیموری دست را رکاب می‌کرد تا خواجه حسن عطار بر مرکب برنشیند و سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش امیرعلی شیرنویسی نسبت به عبدالرحمن جامی اظهار محبت و ارادت می‌کردند، تا جایی که امیرعلی شیرنویسی کتاب «خمسه المتحیرین» خود را در باره جامی و شرح احوال و مناقب او به یادگار گذاشت» (طاهری عراقی، ۱۳۸۲: ۷۸).

معرفی شرح گلشن راز نخجوانی

گلشن راز شیخ محمود شبستری کمتر از دو هزار بیت دارد و در بحر هزج سروده شده است. این منظومه به سبب سادگی و ایجاز و اشتمال بر مباحث عمیق عرفانی به عنوان گنجینه‌ای از حکمت صوفیانه از زمان سرایش مورد توجه دانشمندان، عارفان و شاعران قرار گرفت. تاکنون قریب پنجاه شرح و ترجمه و نظیره بر آن نوشته و سروده شده است (رک. گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۵۳). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، شمس الدین محمد لاهیجی؛ شرح احمد بن موسی رشتی استادی؛ گلزار دمساز، سیدشهاب الدین ابوالعباس احمد؛ شقائق الحقایق، شیخ احمد الهی؛ نسائم گلشن، نظام الدین داعی شیرازی؛ شرح صابین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی؛ حدیقه المعارف، شجاع الدین کربالی؛ تألیفات قرن نهم و شرح الهی اردبیلی و مشواق، ملامحسن فیض کاشانی، هر دو تألیف قرن دهم؛ خیر الرسائل، سید محمد بن محمود حسینی لواسانی طهرانی معروف به عصّار، تألیف شده در قرن چهاردهم از جمله این شروح اند (رک. همان: ۵۳-۱۲۴).
شرح نعمت‌الله نخجوانی شرح کاملی است بر ابیات گلشن راز، بدین صورت که به استناد به آیات و احادیث و کلام بزرگان به تفسیر ابیات می‌پردازد. این شرح از چند جهت حائز اهمیت است:

- ۱- شرح غموض افکار و اشعار شبستری
- ۲- تبیین نکاتی از مشرب عرفان اسلامی
- ۳- نکته بینی و سلاست و جزالت متن

شرح گلشن راز نعمت‌الله نخجوانی با دیباچه‌ای موزون و مقدمه‌ای بسیار کوتاه آغاز می‌شود. شارح دلیل شرح گلشن راز را در مقدمه چنین بیان می‌کند: «همچنانکه دیگران از برای تصفیة معرفت و ادراک خود درصدد تأویل و تبیین آن واردات غیبیه و مکاشفات قدسیه متأمل می‌باشد بنابراین این فقیر حقیر کم بضاعت را نیز مدّت مدید بود که در خاطر فاتر خطور می‌کرد که این قلب کم‌عیار خود را محک این نادره دوران که مطرح نظر عامه ارباب یقین و عرفان شده است... عرض کنم» (مل: ۲) در واقع هدفش را برمبنای رشد و تعالی روح خویش بیان می‌کند که بیانگر فروتنی و خضوع وی است. دیگر آثار نوشته شده وی هم بر این قصد و نیت می‌باشند.

روش شرح به این ترتیب است که در آغاز عموماً مصرع به مصرع و گاهی کل بیت را می‌آورد سپس جزء به جزء کلمات و ترکیبات عرفانی آن را توضیح می‌دهد و با استناد به آیات و احادیث و کلام بزرگان به شرح و تفسیر آن می‌پردازد. شارح در این شرح از هیچ نکته‌ای فروگذار نبوده و به تفصیل به شرح پرداخته است شرح نخجوانی از نظر محتوا در بردارنده اصول فکری شیخ شبستری است.

تعداد ابیاتی را که نخجوانی شرح نموده شامل ۹۶۶ بیت می‌باشد. البته خود در آغاز اظهار می‌کند که از مصرع «گذشته هفت و ده از هفت و صد سال» (گلشن راز: ۳۳) تا مصرع «به نظم مثنوی هرگز نپرداخت» (گلشن راز: ۵۲) که شامل ابیات سبب نظم کتاب هستند، به خاطر سهولت نیازی به شرح نداشته‌اند، به همین خاطر آنها را شرح نکرده است. این شرح به لحاظ سبک نگارش دارای تنوع است. به این معنا هر جا هدف شرح مطالب و افاده معناست شارح از نثر مرسل و ساده بهره گرفته اما در قسمت‌های توصیفی، مخاطب با نثری آهنگین و آراسته به احادیث و نکات ادبی رویاروی می‌شود.

نمونه، شرح بیت نخست گلشن راز:

«بنام آنک جانرا فکرت آموخت» یعنی بَعْدَ مَا تَنَبَّهَ الرُّوحُ مِنْ مَنَامِ الْغَفْلَةِ وَإِسْتَيْقَظَهُ مِنْ نَعَاسِ النَّسْيَانِ* شروع کرد بتذکره موطن اصلی و مبداء حقیقی بمقتضای میل فطری و رابطه جبلّی و جاذبه رفیقۀ معنوی الهی که کریمۀ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا مَفْصَحَ آنست و چون قابل این لطیفۀ غیبی در صور کونی جز قلب انسان[ی= نسخه کتابخانه ملی] که مخیم قباب عزّت و مهبط وحی حضرت احدیّت است چیز دیگری نبود و مرتبه او بود که لیاقت خلوت خلافت و نیابت [الهی= نسخه کتابخانه ملی] داشت لیکن بظلمات اوهام و خیالات حاصله از اضافات متکاثرة متراکمه از تعینات عدمی مکدر و ظلمانی شده بود و بَعْدَ مَا لَمَعَ عَلَيْهِ نُورٌ [الوجود وَبِمُقْتَضَى= نسخه کتابخانه ملی] الْكَشْفِ وَالشَّهَادَةِ* منور گشت شکرا لهذه العطية العظمی گفت:

«چراغ دل به نور جان برافروخت» و بعد از آنک خود را بدستیاری این نادرۀ غیبی از ظلمت‌آباد عالم جسمانی و پیکر هیولائی عالم امکانی بسرحده فضای وجوب رسانید و غبار غیرت موهوم را از

آینه دل منیر خود بکلی بزود و بمقتضای سَنَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِم الْاَيَّة قدم فراتر نهاد همه ذرات مظاهر الهی را بدین منوال یافت و گفت... (نسخه دایره المعارف اسلامی)

۱. اهمیت شرح نعمت‌الله نخبوانی

با مطالعه شرح نعمت‌الله نخبوانی در می‌یابیم که وی در زمینه علوم رایج زمان، فلسفه و حکمت اطلاعات فراوانی دارد شرح وی سلیس و روان است و شارح با رعایت بیان تمام نکات عرفانی، سعی دارد به اطالۀ کلام دچار نشود و با زبانی ساده، به بیان مقاصد ابیات و شرح غموض افکار شبستری بپردازد. این یکی از نکات حائز اهمیت این شرح است. شارح در آن از کمتر نکته-ای فروگذار نبوده است. مخاطب او کسی است که با مباحث عرفانی آشنایی دارد و یا خود اهل سیر و سلوک است. شرح وی حاوی توضیح بسیاری از ترکیبات و لغات عرفانی، کلامی، فلسفی و نجومی و تفاسیر ارزشمندی از آیات و احادیث می‌باشد، به طوری که دکتر کاظم دزفولیان، اذعان داشته‌اند که «با مطالعه حدود چهل شرح از شروح گلشن راز نتیجه گرفتیم که بجز پنج شرح، غالباً دیگر شروح حرف تازه‌ای ندارند. یکی از این پنج شرح، شرح نعمت‌الله نخبوانی است.» (شبستری، ۱۳۸۲: ۱۹).

۲- معرفی نسخه‌های موجود از شرح گلشن راز بابا نعمت‌الله نخبوانی

۱-۲. نسخه کتابخانه ملی: نسخه‌ای از شرح گلشن راز نخبوانی که در این مقاله با عنوان «مل» از آن یاد شده، دارای مشخصات زیر است:

این نسخه به شماره ۲۹۱۱۴-۵ در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه اسناد ملی تهران نگهداری می‌شود دارای ۲۰۶ صفحه ۲۷ سطری است که ۱۸۲ صفحه آن مربوط به شرح گلشن راز نخبوانی است و ۲۴ صفحه پایانی آن شرح ابیاتی از مثنوی مولاناست و تمام اطلاعات بانک نسخ به همان ۱۸۲ صفحه اشاره نموده‌اند. به خط نستعلیق نوشته شده است. نوع کاغذ آن فرنگی نخودی با جلد تیماج یک لا قهوه‌ای در قطع ۱/۵۷×۲/۱۴ م، دارای مهر دایره با سجع ناخوانا در برگ ظهریه و ص ۱۵۷ و ۱۵۸، مهر چهارگوش با سجع ناخوانا در صفحه نخست و مهر دایره دیگر با سجع ناخوانا

در ص ۱۸۴ متن آن تزیین شده است. در دو صفحه نخست دارای جدول دو خط قرمز دور سطرهاست و بقیه صفحات دارای جدول یک خط قرمز رنگ است. سطرهایی از صفحات اوایل آن افتادگی دارد. اشعار در متن با مرکب قرمز متمایز گشته‌اند. در صفحه نخست آن، نام مالک نسخه حسین هاشمی الصفوی ذکر شده است. در این نسخه، کاتب سال کتابت را ذکر نکرده، اما به ماه خاتمه آن یعنی ربیع‌الآخر اشاره نموده است، این نسخه از دیگر نسخ قدیمی‌تر است زیرا کاتب آن یعنی نظام‌الدین استرآبادی در قرن دهم می‌زیسته است. وی علاوه بر کتابت نسخه شرح گلشن راز نجوانی، «نسخه خطی التجرید فی کلمة التوحید غزالی را در جمادی‌الثانی سال ۹۱۷ به خط نستعلیق کتابت نموده است» (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۷۹۸). تصویر صفحه آخر این نسخه به آخر مقاله پیوست شده است.

۲-۲. نسخه کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: این نسخه به شماره ۶۶۶۲۷ و کد ۳۴۲ قابل دسترسی است. در سال ۱۲۳۲ کتابت شده، دارای ۱۹۶ صفحه ۱۸ سطری می‌باشد، که به خط نستعلیق نوشته شده است. نوع کاغذ آن نخودی تیره با جلد تیماج قهوه‌ای ضربی در قطع ۱۳×۵/۲۰ م.م است. در صفحه اول و آخر، نقش مهری را دارد که خوانا نیست و فقط نام محمود آن خواننده می‌شود و آن را محمد میرزا نامی از شاهزادگان ایران برای کتابخانه خود تحصیل نموده است، ابیات با قرار دادن نقطه در اطراف و کشیدن خط با مرکب قرمز مشخص شده‌اند. نام کاتب این نسخه مشخص نیست اما در پایان کتابت تاریخ روز جمعه ماه جمادی‌الآخری سال ۱۲۳۲ ذکر شده است این نسخه افتادگی ندارد. در این مقاله با نشانه «دم» شناخته می‌شود.

شایان ذکر است احمد منزوی نسخه دیگری از شرح نجوانی را در کتابخانه تهران به شماره ۳۰۵۵۳۰۵۷ و کتابت درویش علی نبوی با تاریخ ۱۰۸۷ معرفی کرده است (منزوی، ۱۳۵۱). این مشخصات در تمام منابع نسخ به نام نعمت الله بن محمود نجوانی ثبت گردیده، اما شرح آن کاملاً موجز و متفاوت با دو نسخه دیگر است، به طوری که هیچ شباهتی با آن‌ها ندارد و در صحت انتساب آن جای بحث و تردید وجود دارد. اساس این شرح بر ذکر نکات بلاغی است. تصویر یک صفحه از این نسخه به آخر مقاله پیوست شده است.

۳- ویژگی‌های نوشتاری و رسم الخطی

شیوه خط نسخه‌ها با شیوه نگارش امروز تفاوت‌هایی دارد. به بعضی از این تفاوت‌ها که مهم هستند و در نسخه‌های خطی تا قرن دهم هجری بیشتر نمود دارند، اشاره می‌شود:

۳-۱. آوردن «ء» به جای «ای» در کلمات مختوم به «ها»ی غیرملفوظ: «و لمعة از اشعة انوار روان بخشش در کار این مدبر نابکار کند» (مل: ۲)؛ «اگر شمة از حال وجود او را معلوم بودی» (دم: ۲۲).

این روش در هر دو نسخه به یک روال است.

۳-۲. هم شکل نوشتاری برخی از حروف: «حرف «پ» و «چ» در بیشتر موارد و حرف «گ» در تمام موارد به صورت ب، ج و ک آمده‌اند: «تا کمکشتهای [گم‌گشته‌های] بیدای جهل و غوایت را بسرحد هدایت و ایمان و جاده یقین و عرفان رهنمونی کنند که پی بسرجشمة [سرچشمه] حیات ابدی برند و جرعة رحیق تحقیق جشند [چشند]» (مل: ۱).

«چو عارف به یقین خویش بیوست [پیوست]» (مل: ۶)؛ «همه یک چیز شد بنهان [پنهان] و بیدا [پیدا]» (دم: ۱۴).

۳-۳. در هر دو نسخه کلمات مرکب معمولاً جدا نوشته شده‌اند: «هر یک را از اکمل اولیا که پیروان راه اویند» (مل: ۱۰)؛ «تجرید و تحلیه دل است که جولان‌گاه آن پیک پی خجسته لاهوتیست» (مل: ۲۱)

کلمه «دستیاری» در «مل» سر هم نوشته شده اما در «دم» جدا نوشته شده است (دم: ۶)

۳-۴. ضمائر متصل اغلب جدا و با الف نوشته شده‌اند: «هر یک بذات خود قایم بالذات‌اند» (مل: ۲۴) / کشته‌اند (همان: ۵۴) / معترف‌اند (دم: ۴۲) / الهی‌اند (همان: ۲۹)

۳-۵. حذف «ها»ی غیرملفوظ (در هر دو نسخه): جهان را دیدام (دم: ۱۲) / غنچه‌ای (مل: ۱۵) / سرکشته‌ای (همان: ۱۵)

۳-۶. در مواردی نقطه در جای خودش نیست و یا نقطه یا نقاطی زاید بر نقطه‌های کلمه دیده می‌شود: «از کمال تعجب دم برآورد و کفث» (مل: ۲۱) / «به مقتضای حیا اب ازلی» (همان: ۵۱) که منظور حیات است / سرط ظهور (دم: ۲۲) منظور شرط است.

۴- سبک‌شناسی

۴-۱. سطح فکری

شرح نعمت‌الله نخجوانی شرح منظومه عارفانه گلشن راز است به همین خاطر حاوی مطالب گوناگون در زمینه عرفان، اخلاق و مذهب می‌باشد. با بالا بودن بسامد اصطلاحات عرفانی و فلسفی در این شرح به اوج اطلاعات شارح پی می‌بریم اما عمده‌ترین ویژگی که در سرتاسر این شرح ارزشمند مورد توجه قرار می‌گیرد، استناد به آیات و احادیث و عبارات عربی است که به صورت‌های مختلف در شرح اکثر ابیات به چشم می‌خورد و به صورت تلمیح و یا اقتباس آورده شده است. نخجوانی صوفی و مفسر حنفی مذهبی است که با اصول عقاید ابن عربی و اندیشه‌های شبستری آشنایی کامل دارد و در شرح ابیات گلشن راز، از مسائل مربوط به وحدت وجود، توحید ذاتی، توحید صفاتی و افعالی به خوبی بهره جسته است. همانطور که بیان شد وی برای تأیید شروح ابیات به آیات و احادیث و عبارات‌های عربی استناد جسته است که در بردارنده اصول اعتقادی وی است. به طور مثال در شرح این بیت از گلشن راز:

وز ایشان سید ما گشته سالار هم او اول هم او آخر درین کار

(بیت: ۲۰)

برای بیان برتری پیامبر اسلام بر دیگر پیامبران در مسأله توحید استدلال می‌کند که «هیچ یک از انبیای ماضی را یارای دم زدن از توحید ذاتی میسر نشد اگرچه در توحید صفات و افعال کوشش بسیار کردند و سعی بلیغ نمودند حضرت با رفعت و تمکین او بود که دم از رأیت ربی زد و کریمه *إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ* در شأن آن عظیم‌الشأن نازل گشت» (دم: ۸).

شارح با استناد به حدیث رأیت ربی تنها پیامبر اسلام را راه یافته به بالاترین مرتبه توحید یعنی توحید ذاتی می‌داند. علاوه بر این، با استناد به این حدیث یکی دیگر از مضامین فکری نخجوانی

در باره اعتقاد به جسمانی بودن ذات پروردگار است نیز آشکار می‌شود. این حدیث اشاره دارد به حدیث جعلی از زبان ابن عباس که به پیامبر نسبت داده شده است. «رَأَيْتُ رَبِّي فِي صُورَةِ شَابٍ أَمْرَدٍ، لَهُ وَفْرَةٌ جَعْدٌ قَطَطٌ، فِي رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ» که خداوند را به صورت نوجوانی با موهای مجعد دیده است و قایل به جسمانیت خداوند می‌باشد.

از مبانی فکری شارح، عقیده به حاصل نشدن معرفت از طریق استدلال است که در موارد مکرر به آن اشاره نموده است:

ره دور و دراز است آن رها کن چو موسی یک زمان ترک عصا کن

(بیت: ۱۱۱)

«یعنی بدستیاری فکر فلسفی سرگردان گرد این مطلب عزیز مگرد و بمقتضای کریمه «كُلُّ حَيْزٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» هر یکی پی‌روی عقده عادت خود گشته باقامت حجج و دلایل عقلی و نقلی بر مطالب خود اقدام نموده بدستیاری عقل مبهور حیران درین بیابان بی پایان وجود سرگردان مشو باشد که سلطان وحدت ذات فکر فلسفی مردود مبهور را من جمیع الوجوه از تصرف و تصلف در معارف معزول و منسلخ گرداند» (مل: ۲۰).

همچنین او در موضوع معرفت خداوند، همچون عرفای اسلامی، ذات خالق را از اندیشه مخلوق منزّه و فراتر می‌داند:

«عجز از ادراک کمال درک است چنانکه ما عرفناک و لا احصی ثناء علیک مفتح این بیان

است.» (دم: ۲۹)

- در اینجا اشاره دارد به دو حدیث ما عرفناک حق معرفتک و حدیث لا احصی ثناء علیک أنت كما اثبتت علی نفسك، این است که نهایت ادراک عموم عرفا جز عجز و حیرت چیزی نیست و عارف ذات حق جز ذات حق نشاید به طور کلی شارح از لحاظ فکری تالی افکار شیخ شبستری و عرفان ابن عربی است.

از دیگر مضامین فکری او اعتقاد به عدم نیاز انسان عابد به واسطه، برای رسیدن به خداوند است «تا جذبه احدیت از عدم آباد امکان به فضای پر صفای وجوب رهنمونی کند و بی منت و وسایط و وسایل در مقعد صدق تفرید متمکن گرداند جایی که حق گریبان جانان گرفته بگوش

دلت ندای نَحْنُ أَقْرَبُ می‌رساند و بسمع سِرِّ صدای کُنْتُ سمعه می‌زند چه جای آنست که بوسیله ازو مستفیض گردی و یا بواسطه از او باز مانی» (مل: ۳۸) که اشاره دارد به آیه ۱۶ سوره «ق» «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و به حدیث «كُنْتُ سَمِعَهَا الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ».

از دیگر اصول فکری نخجوانی که در خلال شرح ابیات به چشم می‌خورد نگاه او نسبت به گروه اشاعره، معتزله و دیگر فرق است به گونه‌ای که آن‌ها را مشرک و ناسپاس می‌شمارد:

مکن بر نعمت حق ناسپاسی که تو حق را بنور حق شناسی

(بیت: ۴۴۳)

«یعنی شکر نعمت حق را بجا آور و دل ناپاک خود را بصوب جهل و تعطیل رهنمونی مکن و بجانب زندقه و الحاد و جبر و اضطرار مایل مباش، باشد که به مقتضای کَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ره بشاهد مقصود بری» (مل: ۸۳).

در شرح بیت زیر نیز معتزله را ظاهرین، جاهل و از حق و کمال محروم قلمداد نموده است:

چو اگمه بی نصیب از هر کمالست کسی کو از طریق اعتزالست

(بیت: ۱۳۶)

«یعنی گروه کور معتزلی بی نور که مغرور حس ظاهر گشتند... و از غایت جهل و قصور حق ظاهر را در پس پرده باطل وهم و خیال واگذاشتند و از عموم کمالات محجوب و محروم گشتند» (مل: ۲۶).

نخجوانی به جز موارد اندک، به حکایت و داستان و سخنان مشایخ صوفی چندان استناد نجسته است. وی حتی در تعریف اصطلاحات عرفانی، کلامی، فلسفی از شارحان دیگر گلشن راز عبارتی نقل نکرده است.

شیخ بابا نخجوانی به تاویل آیات و اصطلاحات گرایش اندکی داشته است. او «عرش» را به علم محیط الهی و آب (ماء) را به لوح محفوظ قضا؛ «مسجد» را به امن آباد وحدت؛ «کنشت» را به ورطه کثرت؛ «رخ» را به تجلی جمال و لطف الهی، «زلف» را به تجلی قهر و جلال الهی تاویل کرده است.

یکی دیگر از مباحث مورد توجه، نگاه تحقیرآمیز شارح به زن و جایگاه او در سیر و سلوک است که در شرح ابیات کاملاً مشهود می‌نماید: مثلاً در شرح این مصرع «که بر خود جهل میداری تو جایز» آورده که: «ترا که سرشت و نهاد بر معرفت و کشف و عیان مجبولست چگونه بر اودیۀ جهل ضلال و بادیه غفلت و نادانی بسر میبری و همچون زنان گول نادان در پس دوک و چرخ فلک سرگردان قرار گرفته» (مل: ۴۵) و یا در شرح این بیت:

نشستی چون زنان در کوی ادبیر نمی‌گردی ز جهل خویشتن سیر

(بیت: ۲۱۲)

«یعنی تا خود چون زنان ناقص عقل لوازم مردی از خود دور کرده» (مل: ۴۰) و همین طور در شرح این بیت:

دلیران جهان آغشته در خون تو سر پوشیده نهی پای بیرون

(بیت: ۲۱۳)

«یعنی تو مدبر زن صفت دون نمی‌خواهی از دهلیز امکان پای بیرون نهی» (مل: ۴۰) در واقع پای بیرون نهادن و سیر و سلوک را فقط از آن مردان می‌داند.

۴-۲. برخی ویژگی‌های زبانی

الف) ویژگی‌های متأثر از قواعد زبان عربی: با توجه به احاطۀ کامل شارح به زبان عربی به نحو قابل توجهی از قواعد زبانی و ترکیب‌بندی واژگانی زبان عربی پیروی می‌کند از آن جمله:

۱- بهره‌گیری از احادیث و عبارات‌های عربی در ترکیب‌های اضافی: «بمقام مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ مُحَقَّقْ گشت» (مل: ۱۴)؛ «بحکم لولاک لما خلقت الافلاک مرتبه جامعه آن حضرت بود» (دم: ۱۶)

۲- کاربرد زیاد مصدر باب تَفَعَّلَ: «هیچ تدبیر و تأملی شریف‌تر از تفکر و تدرب در کیفیت نامتناهی نیافتند» (مل: ۱۲)؛ «بلا تَخَلَّلْتَقَدَّمَ و تَأَخَّر و تَرْتَّب و تَرَاح و تَعْقِب» (دم: ۸)

۳- کاربرد انواع جمع‌های عربی: «در طی طوامیر، اعراض حروف و کلمات که از مقاطع اصوات مظاهر موجودات حاصل می‌شود» (دم: ۱۴)

- «گه در اوهام و تخیلات حیران گردانی گه در عقلیات بعقال بی تعویل عقل فضول استوار
بربندی و گه در نقلیات بانواع تخمینات و تقلیدات گرفتار کنی» (مل: ۱۷)
- ۴- مطابقت صفت و موصوف: اوصاف کامله (مل: ۱۴) / اخلاق حمیده (همان: ۱۴) / دلایل
متناقضه (دم: ۹) / تعینات باطله (همان: ۱۷)
- ۵- تأکید بر واژه‌ها و ترکیبات عربی: «یعنی ممکن فی نفسه بر عدمیت اصلی خود باقیست» (دم:
۱۶) «چون تحوّل و تلون از نهاد بصر فطری او بالکلیه زایل گشت» (همان: ۱۴)؛ «اگرچه فی
نفسه خود عالم کبری عالم انسان است.» (مل: ۵)

ب) کاربرد ویژه فعل

- ۱- استعمال فعل به صورت وصفی (که بسامد فراوانی دارد): «بعد از آنکه از قلّاشان بی شأن و
نشان خرابات فنا آمده پیمانۀ از شراب محبت از خمخانۀ وحدت در کشیده لاجرم جرعه از
می صاف محبت نوشیده و در نفی اوصاف مستعار کوشیده بمرتبه موت ارادی رسیده و از
لوازم حیات مجازی چیزی برو باقی نمانده بلکه همه جان شده جان جانان گشته و از آن
خوشتر باشد آن شده...» (مل: ۱۶۱)
- ۲- کاربرد فعل در صورت و معنای تاریخی و کهن
- گرفتن در معنای آغاز کردن: «بادۀ ذوق و حضور نوشیدن گرفت» (مل: ۱۱) / «در خرابات عشق
پوئیدن گرفت» (همان: ۱۱)
- آمدن در معنای شدن: «تا سرگشته‌های بادیه‌طلب و حیرانی را... بطریق آسانی حاصل می‌آید.»
(همان: ۱۵)
- فعل داشتن به معنای به نظر رسیدن: «در معرض انفاس شریفه آن مخزن الاسرار مانند نفحه می-
دارد.» (دم: ۳۱)
- بستن در معنای منسوب کردن: «خود را بدان دونان نابکار بدروغ بسیار و... می‌بندند.» (همان:
۲۹).

- ۴- مان به معنی بگذار: «روح اضافی گوی و خواه جان لقبش مان خواه پرتو رحمان(همان: ۴).
- ۳- کاربرد فعل مضارع اخباری به جای التزامی: در طلب و جست و جو می باید بود (بباید بود)» (مل: ۱۳)
- ۴- آوردن نون نفی جدا از فعل: «نه در آن مثابه است» (دم: ۱۴)؛ «از بود و نابود خود غباری و از نسب و اضافات عدمی آثاری نه بینی» (مل: ۵)
- ۵- کاربرد زیاد لغات عربی: بسامد بالای کاربرد لغات عربی بسیار چشمگیر است: «از چشم شهودت توغّل وهم و پندار و مشاهدهء غبار اغیار بکلی مرتفع گردد. (توغّل: فرو رفتن)» (همان: ۴۰)؛ «یعنی متذکر آن حجب و سدل خودی میباش. (سدل: حجاب و مانع)» (مل: ۱۸۰).

«شکّی نیست که حکمت افاضهء این عطیهء عظما و موهبهء کبری که لمعه ایست از لمعات حضرت علم الهی و حرفی ست از حروف لوح قضا و رشحه ایست از رشحات بحر حقیقی وجود جز از برای مصلحت ترتّب تکالیف الهی که مثمر ایمان و عرفانست و مستلزم کشف و عیان نخواهد بود» (مل: ۴)؛ «بعد از آنک عارف بکمال تمکین و اطمینان خود رسید و سیل غیریت موهوم از دیدهء شهود او تمام معدوم کشت و حول تحویل از نهاد بصر فطری او بالکلیه زایل شد فکان بلا کون فی نفسه کائنا مع ربه» (دم: ۱۴)

۴-۳. سطح ادبی

با اینکه متن این نسخه، مبتنی، شرح و تقریر مطالب و افادهء معنای ابیات گلشن راز است، در عین حال شارح از ذکر صنایع ادبی غفلت نکرده است و با بهره گیری از سجع و جناس به اقتضای کلام، نثری موزون و جذاب آفریده است.

«او را نه پروای سر می ماند و نه سامان بلکه همیشه در سوگواری و بیقراری بسر می برد دائماً در ناله و زاری روزگار می گذرانند هر روز در دیاری و هر شب در کنج غاری، هر لحظه بر سر

بازاری با صد محنت و گرفتاری، ناگاه آه و واویلا زنان از درِ دروازه امکان و زندان زمان و مکان با صد خیبیت و خسران و حسرت و حرمان بدر خواهد رفت» (دم: ۱۲)

جناس اشتقاق: امکان و مکان.

سجع مطرف: زاری و بازاری؛ دیاری، غاری و بازاری.

سجع متوازی: زمان و مکان؛ امکان، زندان و سامان؛ محنت، خیبیت و حسرت؛ خسران و حرمان.

«روزگار بوقلمون در پی انواع شعبده و فنون در عرض پنج روزه دنیای دنی دون با صد هزار تلبیس و فنون ندانم چون من سرکشته مجنون نه دلرا قرار و سکون نه جانرا مراد مقرون» (دم: ۲۶)

سجع مطرف: بوقلمون و فنون، دون و مجنون.

سجع متوازی: فنون و سکون؛ مجنون و مقرون.

عبارت‌های ادبی آن درخور توجه است. در نمونه‌های زیر صور خیال و تناسب‌های زیر دیده می‌شود:

«یعنی از مغز نغز توحید اعراض کرده پوست بی‌مزه تقلید خائیدن گرفت و از در گرانمایه بلند پایه معرفت و یقین به صدف مبتذل ظن و تخمین قانع گشت و از مهره‌های مردود نامربوط روی اندود تراشیدن آغاز کرد و در رشته بگسسته وهم و خیال کشیده و به معارضه درّ یتیم اصحاب توحید و مروارید فرید ارباب تجرید و تفرید کشید» (مل: ۱۲)

- جناس مضارع: مغز، نغز.

- سجع متوازی: تجرید و تفرید؛ سجع مطرف: فرید و تفرید.

- تضاد: ظن و یقین.

- تشبیه: مغز نغز توحید / پوست بی‌مزه تقلید / در معرفت و یقین / صدف ظن و تخمین / رشته

وهم و خیال.

- استعاره: مهره‌های مردود استعاره از تفکرات بی‌ارزش عقلا و فلاسفه / درّ یتیم اصحاب

توحید استعاره از معرفت و یقین / مروارید فرید ارباب تجرید استعاره از معرفت و توحید.

– مراعات النّظیر: درّ، مروارید، صدف، مهره، به رشته کشیدن و تراشیدن.

– کنایه: روی اندود کنایه از چیزهای بی ارزش.

«کرا یارای آن بودی که به دریای بی پایان وجود پی بردی و در بحر زخار شهود غوطه خوردی و هم در این مرتبه کریمه او بود که سواحل نشینان بادیه امکان را بسرحد فضای پرفسفاى و جوب وجود رهنمونی کرد و از هاویئه بعد و ضلال برآورده بزاویئه قرب و وصال مشرف گردانید» (همان:

(۹)

– تشبیه: دریای بی پایان وجود / بحر زخار شهود / هاویئه بعد و ضلال / زاویئه قرب و وصال

– استعاره: سواحل نشینان بادیه امکان استعاره از سالکان

– تضاد: بعد و قرب؛ ضلال و وصال.

– سجع متوازی: وجود، شهود / فضا، صفا / هاوییه، زاویه / ضلال، وصال.

– جناس مطرف: وجوب، وجود

در شراب‌خانه وجود با شمع شهود شاهد مقصود باده ذوق و حضور نوشیدن گرفت

(دم: ۲۳)

– تشبیه: شراب‌خانه وجود / شمع شهود / باده ذوق و شهود

– استعاره: شاهد مقصود

– تناسب: شراب، شمع، شاهد، باده و نوشیدن

– واج آرای: حرف «ش» در شراب، شمع، شهود و شاهد

«سواران دلاور انبیا و اولیا با لشکر اعدای تقلید و تخمین سربازی کردن آغاز کردند.» (دم: ۲۰)

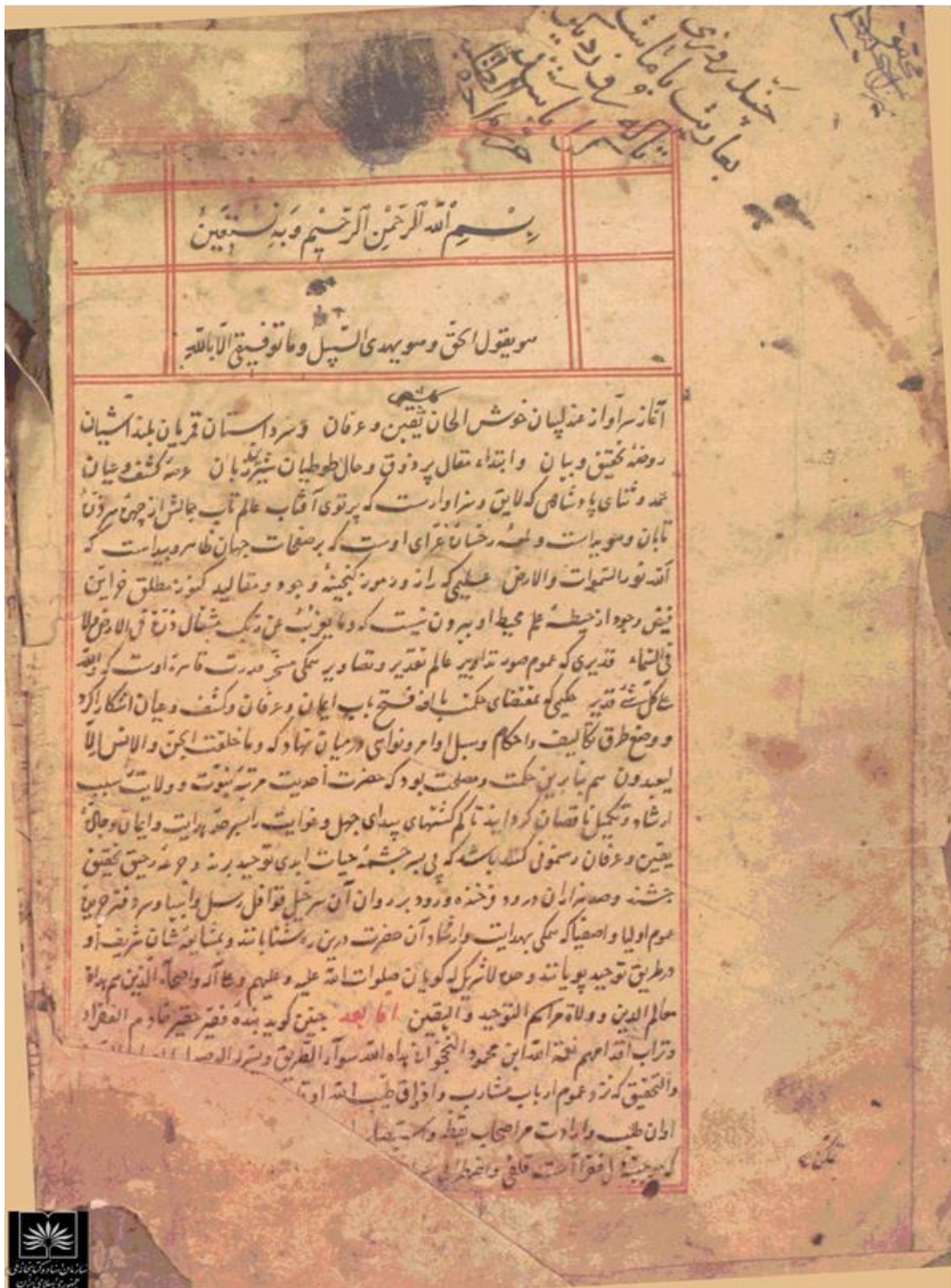
– لشکر تقلید و تخمین استعاره از فلاسفه و عقلا است.

– مفهوم کنایی سربازی کردن کنایه از مبارزه کردن است.

نتیجه‌گیری

شرح بابا نعمت‌الله نخجوانی شرحی بر گلشن راز شبستری است. نعمت‌الله نخجوانی صوفی و مفسر قرن نهم و دهم است که در زمینه مباحث عرفانی تواناست و شرح وی به لحاظ بیان غموض افکار و اشعار شبستری و تبیین نکاتی از مشرب عرفان اسلامی حائز اهمیت است. این شرح به لحاظ سبک نگارش دارای تنوع است. به این معنا که هر جا هدف مؤلف شرح مطالب و افاده معناست از نثر مرسل و ساده بهره گرفته اما در قسمت‌های توصیفی، مخاطب با نثری آمیخته به نظم و آراسته به احادیث و آرایه‌های ادبی رویاروی می‌شود. از نظر سطح فکری ویژگی خاص شارح توجه به آیات و احادیث و استناد به آنهاست که بیانگر اعتقادات شارح نیز می‌باشد از قبیل: جسمانیت خداوند، حاصل نشدن معرفت از طریق استدلال، عدم نیاز به واسطه برای رسیدن به خداوند و نگاه انکاری نسبت به معتزله و اشاعره. زبان و سبک این نسخه به نحوه قابل توجهی از قواعد زبانی و ترکیب‌بندی واژه‌های زبان عربی پیروی می‌کند از جمله: تأکید بر واژه‌ها و ترکیب‌های عربی، کاربرد قیود عربی، استفاده از احادیث و عبارات‌های عربی در ترکیب‌های اضافی، استفاده از انواع جمله‌های عربی و استفاده فراوان از مصدر باب تفعّل. در سطح ادبی به اقتضای کلام از صنایع لفظی و معنوی بهره‌جسته بویژه صنایع لفظی سجع و جناس که جنبه آهنگین به کلام بخشیده است و بیشتر مد نظر شارح بوده، همچنین متن نسخه از حیث ارجاع به آیات و احادیث و اصطلاحات عرفانی، ترکیبات خاص و واژه‌ها درخور توجه و اهمیت است و شارح در شرح خود از هیچ نکته‌ای فروگذار نبوده است.

نمونه صفحه‌ای از نسخه کتابخانه ملی، به شماره ۲۹۱۱۴-۵



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۶۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، چاپخانه سپهر.
- ۲- ادنه وی، احمد بن محمد، (۱۴۱۷)، *طبقات المفسرین*، تحقیق سلیمان بن صالح، مدینه، مکتبه العلوم و الحكم.
- ۳- بغدادی، اسماعیل پاشا، (۱۹۵۱-۱۹۵۵م)، *هدیه العارفين، اسماء المؤلفين و آثار المصنفين*، به اهتمام قاسم محمد الرّجب. بغداد، مکتبه الحنفی.
- ۴- بیگدلی، لطفعلی بیگ بن آقاخان، (۱۳۳۷)، *آشکده*، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر.
- ۵- تربیت، علی، (۱۳۷۸)، *دانشمندان آذربایجان*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۸۶)، *نفحات الانس*، تصحیح تعلیقات محمود عابدی، تهران، انتشارات سخن.
- ۷- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۴۱۳ق)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت: دارالکتب علمیّه.
- ۸- خسروشاهی، رضا، (۱۳۵۰)، *شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر تا سده دهم هجری*، تهران، انتشارات دانشسرای عالی.
- ۹- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۹)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- ریاحی، محمّدامین، (۱۳۶۹)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران، پاژنگ.
- ۱۱- زرّین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- الزرکلی، خیرالدین، (۲۰۰۲م)، *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۱۳- سرکیس، یوسف الیان، (۱۴۱۰ق)، *معجم المطبوعات العربیه و المعربیه*، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- ۱۴- شبستری، محمود، (۱۳۸۸)، *گلشن راز*، به کوشش شهربانو بهجت، تهران، انتشارات اهور.
- ۱۵- _____، (۱۳۸۲)، *گلشن راز*، به اهتمام کاظم دزفولیان، تهران، طلایه.

- ۱۶- شفاعی، زهرا، (۱۳۹۱)، *نخجوانی و تفسیر الفواتح*، تهران، انتشارات خانه کتاب.
- ۱۷- طاشکوپری زاده، عصام الدین محمد، (۱۳۸۹)، *الشقایق النعمانیة فی علما و الدولة العثمانیة*، تصحیح و تحقیق سید محمد طباطبایی بهبهانی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۸- طاهری عراقی، احمد، (۱۳۸۲)، *یادگار طاهر (مجموعه مقالات دکتر احمد طاهری عراقی)*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۹- کخاله، عمر رضا، (بی تا)، *معجم المؤمنین تراجم مصنفی الکتب العربیة*، بیروت، دارالحياء التراث العربی.
- ۲۰- گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۴)، *شروح گلشن راز*، نشریة نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، دفتر چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- منزوی، احمد، (۱۳۵۱)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، چاپ اول.
- ۲۲- نخجوانی نقشبندی، نعمت الله، (۱۳۹۵)، *تفسیر فواتح الهیه*، جلد اول، ترجمه مسعود انصاری، تهران، مولی.
- ۲۳- واردی، زرین تاج، (۱۳۸۴)، *مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره پیاپی ۴۲، صص ۹۱-۱۱۰.